تفاوت موطن «صبر» و «صابر»

خلاصه «یصابروا» این است: یک صبری می‌خواهیم که ادامه دارد، استمرار دارد، سخت است، رها کننده نیست، جهاد اکبر است. وقتی حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله به آن جوان گفتند:

«کیف اصبحت»[1]، آن جوان شروع به حرف زدن کرد، بعد حضرت صلّی اللّه علیه و آله فرمودند: «أَبْصَرْتَ فَاثْبُتْ». حال رسیدی، اما باید ثابت بمانی. لذا فوری محضر حضرت صلّی اللّه علیه و آله عرض کرد: «یا رَسُولَ اللّه ادْعُ اللّه لی أَنْ یَرْزُقَنِي الشَّهَادَةَ مَعَكَ». یعنی خوب به‌فهم بود؛ فهمید که حضرت صلّی اللّه علیه و آله چه چیزی گفته‌اند. فرمودند تو کاری کردی و رسیدی اما نگاه داشتنش سخت است. «صابروا»! لذا گفت برای من شهادت پیش بیایی که مبتلا نشوم.

البته اساتید هم می‌گفتند. نمی‌دانم در کتاب‌ها آمده است یا نه. احتمالی هم که به ذهنم می‌آید، این است: تا حضرت صلّی اللّه علیه و آله فرمودند: «فاثبت»، احتمال دارد که ذهنش سراغ این رفت که حضرت صلّی اللّه علیه و آله مکرر فرموده بودند که بعد از من، فتنه می‌آید. چون آن‌ها را شنیده بود، بند دلش پاره شد. یعنی با خودش گفت که حضرت صلّی اللّه علیه و آله فرمودند: حال یک چیزی هست، اما اگر بعد از من، «ارتد الناس» را طی کردی، کارهای هستی! تا این را فهمید، گفت می‌خواهم تا شما هستید، بروم. احتمالاً به این دلیل بود که گفت شما دعا کنید و الا مانعی نداشت که بگوید شما دعا کنید عمر من طولانی شود و ثابت هم باشم.

علی أی حال، این معنای «صابروا» است. در روایات هم خیلی زیاد هست. مرحوم مجلسی هم در مرآة العقول از بیضاوی نقل کرده‌اند. من اصل روایت را بخوانم.

شاگرد: خود «صابروا» به چه معنا است؟

استاد: «یـٰۤأَیُّهَا ٱلَّذِینَ ءَامَنُوا۟ ٱصْبِرُوا۟ وَصَابِرُوا۟»[2]؛ یعنی صبر مستمر داشته باشید. «إِنَّ ٱلَّذِینَ قَالُوا۟ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسْتَقَـٰمُوا۟»[3]. استقامت بر صبر کنند. با این توضیحی هم که بنده عرض کردم، به ذهن شریفتان آمد؛ گاهی است که دو نوع صبر داریم و گاهی است که دو نوع مصبور علیه داریم. دو نوع صبر معلوم است؛ یکی صبری که موقت و یکی صبری که مستمر است. زیبایی کلام این است که خیر، اصالً حوزه‌های صبر دو تا است! آنچه که می‌خواهیم بر آن صبر کنیم، دو حوزه است. یکی حوزه‌ی وقایعی که باید بر آن صبر کنیم، ولی می‌گذرد. اما یکی، حوزه‌هایی هست که آن حوزه، گذشتنی نیست؛ هر روز با آن سر و کار داریم. این صابر می‌شود. یعنی یک صبری است که حوزه‌ی صبر کردن بر آن حوزه، تمام شدنی نیست. نیاز به یک استقرار دارد.

شاگرد: پس این معنایی که صبر اجتماعی می‌گویند، یعنی با هم صبر کنند را، شما قبول ندارید.

استاد: منافاتی ندارد. در اینکه «صابروا» از باب مفاعله، به‌معنای مشارکت باشد، مشکلی ندارم. روایت هم دارد. بنده مکرر عرض کرده‌ام؛ لطافتی که روایات در فهم قرآن کریم به ما می‌دهد، همین است که ما از قرآن کریم یک وجه به ذهنمان نیاید. وجوه مختلفی است که همه‌ی آن‌ها صحیح است. همه، تاویلات است، بطون است. من منکر آن معنا نیستم. من فقط روی مبنای آقای مصطفوی معنایی را عرض کردم که با معنای ایشان موافق است اما با معنای دیگر هم، منافاتی ندارد. حال مرآة العقول را می‌خوانم.

---

[1]. شیخ کلینی، الکافی (چاپ اسلامیه)، ج ۲، ص ۵۳.

[2]. آل عمران، آیه‌ی ۲۰۰.

[3]. فصلت، آیه‌ی ۳۰.

بازبینی #1
ایجاد شده 9 ژوئیه 2024 15:27:08 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 ژوئیه 2024 15:28:25 توسط ... .